



کارگران قالی باف به قدر جان‌کنند گره می‌زنند

زنان روی دار

ریحانه شانه‌اش را فشار می‌دهد و آخی از ته دل می‌گوید و باز قامت لاغر و خمیده‌اش چفت می‌شود پشت قالی. قالی‌باف‌ها استراحتی ندارند؛ از چهار ساعت نشستن پشت دار ممکن است تنها ۲۰دقیقه‌ای بتوانند توی کارگاه دراز بکشند. آن‌هم اگر بشود. ریحانه از ۱۴سالگی پشت دارهای قالی بزرگ شده، او حالا ۲۵ سال دارد از همان سال‌ها جای مادرش را گرفته، آسم گذاشته فاطمه، مادرش کارش را

تمام کند، خانه‌نشین که شده جایش را بیا ریحانه عوض کرده، انگشت استخوانی ریحانه با ظرافت می‌پیچد لای چله خشک دار و با بازی فشنگی خفت‌ها را مرتب و سریع می‌زند. یک رخ که بافته می‌شود، نوبت دفتین‌زدن است. حرکت باید سریع و یکنواخت باشد. زن‌ها به نوبت دفتین می‌زنند. سنکین است و اگر یک نفر بخواهد طول قالی را دفتین بزند، از کت و کول می‌افتد. طولی نمی‌کشد که گلبرگی سرخ در میان گلبرگ‌های سبز قالی رخ می‌کشد و ریشه می‌دواند.

زن‌ها به اندازه هشت ساعت یا بیشتر اینجا کار می‌کنند. بعضی‌هایشان حتی بیشتر از هشت ساعت می‌مانند. صاحب کارگاه به کسانی که بیشتر می‌مانند پاداش می‌دهد، همین باعث شده که کارگاه هیچ‌وقت از زن‌ها خالی نشود. کارگاه تشکیل شده از یک محفظه که قبلا به‌عنوان پارکینگ از آن استفاده می‌شده، سه دار قالی و دقیقا ۲۰ زن و دختر را در خود جای داده، نور کارگاه دو تا مهتابی است، یکی زرد و یکی سفید که قدرت چندانی برای روشن‌کردن حجم کارگاه ندارند. شش دار قالی در ردیف‌های سه‌تایی موازی با هم به دیوارها تکیه داده شده و تنها نوری طبیعی که پارکینگ را به بیرون وصل می‌کند، از پنجره کوچکی وارد می‌شود و ستونی شده به موزیک‌های خاکستری‌رنگ.

کارگاه دم گرفته و گرم است. یک کولر دستی قرار است تمام حجم این اتاقک ۶۰متری را خنک کند اما آن‌طور که باید و شاید کارایی ندارد. بوی نا و ترشی تمام کارگاه را پر کرده است.

روی هریک از قالی‌ها چهار یا پنج زن شانه به شانه هم نشسته‌اند و یکریز نقشه‌ها را می‌خوانند. خیلی‌هاشان سابقه طولانی‌تری دارند؛ اعظم یکی از آنهاست و ۱۴ سال است قالی می‌بافد. اول خودش به شکل مستقل قالی کوچکی داشته و همان را می‌بافته اما وقتی برایش صرف نکرده، ترجیح داده توی کارگاه‌های کوچک و بزرگ مشغول شود: «راضی نیستیم هیچ‌کدامان» انگشت میانی‌اش را نشان می‌دهد، سرخ و متورم است. ادامه حرفش زمانی است که دیگر به ما نگاه نمی‌کند. خیره می‌شود به انگشتش که مثل شیشه شفاف‌ی صورتی شده است: «با این دست‌ها دیگر نمی‌توانم. آرتروز و بیماری ربه و چشم را هم که دیگر حرفش را زن».

می‌دهد سروکله این ویروس در ۷۵ کشور جهان پیدا شده است.

تعداد افراد مبتلا به این بیماری در ایالات متحده تا سه هزار نفر اعلام شده است. در میان آنها نام دو کودک هم ثبت شده است. کارشناسان معتقدند تعداد موارد ابتلا با توجه به عملیاتی‌شدن آزمایش‌ها بیشتر هم خواهد شد. در انگلیس بیش از دوهزارو ۲۰۰ مورد مبتلا به آبله میمونی شناسایی شده است. آمار منتشرشده از اسپانیا هم تقریبا با آمار انگلیس برابر است. بقیه موارد در دیگر کشورها مشاهده و ثبت شده است.

آبله میمونی در چه جوامعی گزارش شده است؟

هرچند آفریقا در سال ۱۹۵۸ خاستگاه بروز آبله میمونی در میان میمون‌های در اسارت و سپس در سال ۱۹۷۰ در میان انسان‌ها بوده است، اما بررسی‌های امروز نشان می‌دهد بخش عمده موارد ثبت‌شده در خارج از مرزهای آفریقا، در میان جامعه مردان همجنس‌گرا دیده می‌شود. این اتفاق و مشابه آن با بروز اولیه ویروس HIV باعث شده است تا موافقان اعلام وضعیت اضطراری سازمان بهداشت جهانی بگویند هرچند این وضعیت دیر اعلام شد اما دیر بهتر از هرگز است. موافقان هشدار معتقدند زمان برای جلوگیری از شیوع آبله میمونی از دست رفته است اما دولت‌ها باید برای مهار و کنترل گسترش این بیماری دست بچینانند.



شهرداری یزد

آگهی مناقصه عمومی تک مر حله ای پیاده رو سازی خیابان بناقتی زاده

موضوع مناقصه: پیاده رو سازی خیابان بناقتی زاده در منطقه دو شهرداری یزد
مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه به صورت مقطوع و به میزان ۱۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال که می تواند به صورت واریز وجه نقد به حساب سپرده ۶۸۵۱۴۶۶۲۵ بانک تجارت به نام منطقه دو شهرداری یزد و یا به صورت ضمانت نامه بانکی (دارای اعتبار سه ماهه) در وجه حساب مذکور باشد.
مبلغ و نوع سپرده تعهدات: مبلغ ضمانت انجام تعهدات در هنگام عقد قرارداد معادل ۱۰ درصد مبلغ قرارداد می باشد.
پیشی پرداخت: پس از انعقاد قرارداد کارفرما می تواند نسبت به پرداخت پیش پرداخت به پیمانکار طبق آیین نامه معاملات مالی شهرداری در ازای دریافت ضمانت نامه بانکی اقدام نموده و در هر پرداختی این مبلغ مستهلک می شود.
نحوه تأمین اعتبار پروژه: پروژه از محل بودجه سال ۱۴۰۱ شهرداری یزد تأمین اعتبار می شود.
مهلت خرید و تحویل اسناد: زمان خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ و حداکثر تاریخ ارائه پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد(سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) به آدرس setadiran.ir و تسلیم مدارک(ضمانت نامه بانکی) به دبیرخانه محرمانه حراست شهرداری یزد تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۴ می باشد و کلیه پیشنهادات در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه شنبه مورخ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ در دفتر مدیر منطقه دو شهرداری یزد مفتوح و با حضور اعضا، تصمیم گیری خواهد شد.
محل انجام کار: شهریزد (شهرداری منطقه دو)

محل دریافت اسناد: جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت setadiran.ir مراجعه نمایید. نظر به اینکه وجه پرداختی مسترد نمی گردد قبل از پرداخت وجه نسبت به مطالعه کامل نمونه اسناد اقدام و در صورت تمایل نسبت به واریز مبلغ و خرید اسناد اقدام نمایند.
در صورت عدم رعایت این بند و واریز وجه، شهرداری نسبت به استرداد این وجه هیچ گونه مسئولیتی ندارد.
مبلغ فروش اسناد: مبلغ فروش اسناد ۱,۰۰۰,۰۰۰۰۰ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شماره ۲۰۹۱۵۱۲۲۲۲ بانک تجارت به نام شهرداری منطقه دو یزد) سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
به پیشنهادهای فاقد سپرده و امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهائی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود، سپرده های مخدوش و کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
چنانچه برندگان اول تا دوم حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده های آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.
شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری یزد موضوع ماده ۱۰ آیین نامه معاملات شهرداری های مراکز استان ها می باشد.
هزینه چاپ و نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

روابط عمومی منطقه دو شهرداری یزد

کارگران کم‌درآمد

«مجبوریم». زن دیگری می‌گوید که با فرزند کوچکش، صبح تا بعدازظهرش را اینجا می‌گذرانند. زهرا وقتی قالی‌باف شد که حادثه شوهرش را از او گرفت، حالا یک زن سرپرست خانوار است با سه بچه قد و نیم‌قد: «تقریبا از هشتت صبح می‌آیم اینجا، اگر تا هشتت یا هشت‌ونیم شب بمانم، تقریبا ۱۵۰ هزار تومان عایدم می‌شود. این برابر است با اینکه دیگر برایم نه شانه می‌ماند نه دست و گردن. شب که به خانه می‌روم، تمام استخوان‌هایم درد می‌کند. بالاخره کم‌ویش می‌آیم».

کارگاه نه استاندارد است و نه نور کافی دارد. نور است و نمناک و بسوی کهنگی می‌دهد. میزان پرداخت دستمزد فرش‌بافان بر اساس رخ بافتی، متفاوت است؛ بستگی به فرش‌ها دارد که ابریشمی باشند یا عادی.

البته به نسبت و اندازه کارگاه‌ها تعداد کارگران زن هم متفاوت‌اند، گاهی در یک کارگاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ بافنده مشغول می‌شوند تا صنعت فرش دستباف اصفهان همچنان با چشم‌هایی که به تار و پودش گره می‌خورد، زنده بماند.

در کنار آنها دختران جوانی هستند که هیاهوی جوانی را با لچک و ترنج‌ها تقسیم کرده‌اند و دیگر شعوری برایشان نمانده است، گویی خلاصه شده‌اند پشت دارها.

کارگاه‌هایی که اغلب در شرایط غیربهداشتی است و با توجه به دستمزدهای پایین معمولاً قشر محروم را در خود جای می‌دهند. حاج ناصری کارفرمای یکی از این کارگاه‌ها، خودش کارشناس فرش و از کسانی است که در برخی از این کارگاه‌ها کارفرماست: «قبول دارم که دستمزد کمی عاید قالی‌بافان می‌شود اما این را هم بگویم که ما نیز درگیر دلالتان هستیم، آنها قالی‌ها را به قیمت ناچیز از ما می‌خرند و چندبرابر می‌فروشند».

سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید: متأسفانه برخی از کارگاه‌ها شرایط فاجعه‌باری دارند و میزان درآمدشان بسیار پایین است و به همین خاطر مزد کارگران هم بسیار کم می‌شود. در کنار این موضوع «هیچ مرجع مشخصی در قبال قالی‌بافان پاسخ‌گو نیست و این مسئله نیز ناشی از پراکندگی مراکز قالی‌بافی در سطح کشور است».

دلالتان و سهم اندک قالی‌بافان

با تمام این مشکلات زن‌ها می‌آیند. برای همان دستمزد

کم هم سرر و دست می‌شکنند تا از زندگی جا نمانند. آنها که باشند، رنگ‌ها در هم ادغام می‌شود، گل و بوته‌هایی با بیج‌وتاب و منظم در قلب قالی جا می‌گیرد تا سهم کوچکی هم به آنها برسد. سهم بیشتر را دلالتان می‌برند و زنان قالی‌باف قربانی چرخه معیوبی می‌شوند که هیچ نظارتی بر آن نیست. آنها نان می‌خواهند و تا زمانی که بتوانند پشت دارها دوام بیاورند، می‌توانند بچه‌هایشان را سیر نگه دارند. اغلب آنها زنان سرپرست خانواری هستند که با همین حقوق قالی‌بافی روزگاری می‌گذرانند.

دارها بیشتر در کارگاه‌هایی در بخش‌های پایین شهر برپا می‌شود. کارفرماها می‌دانند در این قسمت شهر زنان سرپرست خانوار زیادند.

دار مصوبه مجتمع‌ها بر گردن حقوق بگیران

۲۰ سال پیش در روزهای اول بهار، قانون حمایت از تاسیس و اداره مجتمع‌های بزرگ و متمرکز قالی‌بافی تصویب شد، با اینکه این قانون با کمی و کاستی‌های بسیاری روبه‌رو بود اما همان کافی بود که هنرمندان قالی‌باف بتوانند از حداقل حقوق انسانی خود بهره بگیرند؛ اما این قانون به شکل جدی اجرا نشد و کسانی که قدرت چانه‌زنی نداشتند، زیر بار این مصوبه له شدند؛ چراکه هیچ‌یک از امتیازهای قانونی استخدام کشوری یا تأمین اجتماعی به آنها تعلق نمی‌گرفت. درواقع این مسئله باعث شد که این افراد به نوعی در گره‌های کور و پیچیده حمایت‌نشدن اسیر شوند، نه مرخصی‌های قانونی داشته باشند و نه بتوانند در صورت بیمارشدن به جایی مراجعه کنند و این در حالی است که تمامی مباحث تشویقی در رابطه با فرش‌های دستباف به صادرکنندگان این صنعت ختم می‌شود.

در رابطه با زنان قالی‌باف دو آمار وجود دارد، رسمی‌هایی که می‌گویند: بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور از طریق این صنعت امرار معاش می‌کنند و بخشی از آنها هم زنان هستند و غیررسمی‌ها که می‌گویند: بیش از ۹۰ درصد کارگران شاغل در صنعت قالی‌بافی و گلیم‌بافی را زنان تشکیل می‌دهند. نیمی از آنها کمتر از ۱۶ سال دارند و بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار می‌کنند و غم‌انگیزتر اینکه بیش از ۱۰ نوع بیماری‌های مختلف تنفسی، پوستی، استخوانی و عضلانی، سردردهای شدید و ناراحتی‌های چشمی در میان این دختران نوجوان شناسایی شده است.

پدیدار می‌شود که در بیشتر موارد بیمار پس از گذراندن دوره خوب و آثار پوستی رقع می‌شود.

اسا در موارد اخیر ابتلا و خارج از مرزهای آفریقا خاصه در آمریکا، کمتر علائمی از تب و سردرد گزارش شده و به‌جای آن، بثورات پوستی در نزدیکی نواحی تناسلی دیده شده یا زخم‌هایی در گلو، مجاری ادراری و راست‌روده گزارش شده است که بسیار درزناک است.

آبله میمونی منجر به مرگ می‌شود؟

مطالعات در جوامع آفریقایی خاستگاه ویروس آبله میمونی نشان می‌دهد مواردی از مرگ‌ومیر مبتلایان به این ویروس گزارش شده است؛ هرچند که موارد منجر به فوت بر اثر این بیماری کم است. یکی از دلایلی که باعث شده تلاش برای جلوگیری از شیوع این ویروس به تأخیر بيفتد، شاید همین موضوع است؛ اما کارشناسان می‌گویند پرسش‌های زیادی درباره آبله میمونی مطرح است و به‌درستی معلوم نیست جهش‌های ژنتیکی رخ داده در ژنوم این ویروس از سال ۲۰۱۸ تا امروز تا چه حد بر سرعت انتشار و انتقال آن مؤثر بوده است. تنها موضوع مشخص این است که در هفته‌های اخیر بر تعداد مبتلایان به آبله میمونی افزوده شده است. با این حساب آبله میمونی راحت‌تر از قبل گسترش می‌یابد.

گله‌مندی کارکنان دانشگاه پیام نور: حقوق‌ها واریز نشد!

هیئت‌علمی، زبان‌ده‌بودن تعدادی از مراکز و واحدها در اقصی‌نقاط کشور و کاهش درآمدهای اختصاصی (غیرشهریه‌ای) از مهم‌ترین دلایل تأخیر در پرداخت حقوق ماهانه پرسنل دانشگاه اعلام شده است. درعین‌حال، قطع کامل مزایای غیرمستمر کارکنان اداری از جمله اضافه‌کاری، کاهش حق مدیریت، ایاب و ذهاب، غذا، حق‌الزحمه امتحانات، عدم اعمال مدارک تحصیلی مقاطع بالاتر و… باعث شده برخی از کارکنان تقاضای بازنشستگی پیش از موعد یا انتقال به سایر دستگاه‌ها را داشته باشند.

مشاورت عالی دانشگاه پیام نور هم‌اکنون با سیدعلی علم‌الهدی (برادر همسر رئیس) است.

ادامه از صفحه اول

مصائب مدیریت و سرنوشت مردم

حال و احوال این روزهای جامعه ایران به ما این نکته را دیکته و تحمیل می‌کند که باید ابتدا تصمیمی بزرگ از اصلاح نظام مدیریتی با افرادی دارای تخصص و برنامه‌ریزی برای ثبات مدیریتی اتخاذ شود.

وضعیت موجود علاوه بر هزینه‌های تحمیل‌شده ناکارآمدی بر جامعه امروز، سبب می‌شود در درازمدت هم سیاست‌گذاری‌های غلط حتی بر زندگی چند نسل تأثیرگذار باشد. اصطلاحاً آیندگان به‌ناچار در «دام مسیر طی‌شده» قرار می‌گیرند. متأسفانه فقدان تصمیم بزرگ برای ایجاد روندهای شایسته‌سالارانه به‌عنوان یک تقیصه در نظام اداری ایران از زمان پیدایش دولت مدرن وجود دارد. هرچند دراین‌میان گاهی چهره‌های درخشانی در این ۶۰ سال در جایگاه‌های مدیریتی قرار گرفته و اتفاقاً در مقاطعی اثرگذار هم بوده‌اند؛ اما به لحاظ فقدان سیستم بانبات و نبود سنت نهادینه‌شده شایسته‌سالاری، این افراد یا به‌سرعت از گردونه خارج شده یا در برخی موارد